



27 آذر: «مفتح»، «شهادت»، «وحدت»

27 آذر 1394. سی و پنج سال از شهادت دکتر مفتح می‌گذرد؛ روزی که حضرت امام خمینی آن روز را «روز وحدت حوزه و دانشگاه» نامیده است؛ چراکه دانشگاه نیاز حوزه به علوم روز را رفع می‌کند و حوزه نیاز دانشگاه را به مبانی دین، پرنده سعادت با این دو بال به قله نجات می‌رسد و بی این هر دو پرواز ممکن نیست.

27 آذر 1394. سی و پنج سال از شهادت دکتر مفتح می‌گذرد؛ روزی که حضرت امام خمینی آن روز را «روز وحدت حوزه و دانشگاه» نامیده است؛ چراکه دانشگاه نیاز حوزه به علوم روز را رفع می‌کند و حوزه نیاز دانشگاه را به مبانی دین، پرنده سعادت با این دو بال به قله نجات می‌رسد و بی این هر دو پرواز ممکن نیست.

به گزارش خبرنگار سیاسی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، امام(ره) با درایت خود توانست دو پایگاه فکری جامعه یعنی دانشگاه و حوزه را تشخیص دهد و بحث وحدت بین این دو را مطرح کند که البته این دو حوزه توانستند از عوامل مهم در بساط انقلاب اسلامی، سه‌ساز، آفرنده، انقلا‌ب‌ناشند.

آیت‌الله شهید مفتح

عماد افروغ استاد دانشگاه در این زمینه گفته است: توجه امام(ره) در مورد وحدت روحانی و دانشگاهی، ارتباط و همبستگی و همجهتی این دو قشر در جهت ایرانی آزاد و مستقل و از بین رفتن جو بدبینی به‌وجود آمده توسط رژیم پهلوی و سلطه‌جویان است. از بین رفتن این بدبینی و جلوگیری از دامن زدن به اختلاف، وظیفه‌ای است که یکسان بر دوش هر دو قرار دارد و هر دو باید برای ایجاد وحدت و همبستگی، اهتمام ورزند و از بروز تنش‌ها و اختلافات، جلوگیری کنند. دانشگاهی، نباید روحانی را متهم به سنت‌پرستی و مخالفت با مظاهر تمدن و ترقی کند؛ روحانی نیز نباید از فرهنگ عامه، حربه دینی و تکفیر را به کار گیرد. البته باید اذعان نمود که اتهام مخالفت با تمدن به روحانیت، بیش از آنکه برآمده از یک امر واقعی باشد، برآمده از یک سوء تفاهم و متأثر از فضاهای روانی و تبلیغاتی است.

دکتر مفتح هم در شرایط خفقان همچون چراغی توانست راه متعالی را پیش بگیرد و در سنگر حوزه و دانشگاه در این راه بجنگد. دکتر مفتح به عنوان یک عالم در این راه ایستادگی کرد و سختی‌هایی کشید؛ او را از آموزش و پرورش اخراج کردند، تبعید کردند، اما او از راه خود دست نکشید.

آیت‌الله سیدهاشم حسینی یوشهری مدیر حوزه‌های علمیه کشور با اشاره به نماز عید فطر سال‌های 56 و 57 که در اوج خفقان ستم شاهی توسط دکتر مفتح اقامه شد، تصریح کرده است: ایشان در آن روزها مورد ضرب و شتم قرار گرفتند اما جمله‌ای معروف با این مضمون که شخص مهم نیست بلکه هدف مهم است، بروید و تظاهرات عید فطر را انجام دهید، بیان کردند که ماندگار شد. ایشان از زمانی که امام را شناخت هرجا امام حضور داشت ایشان هم بودند و سختی‌های زیادی هم در این راه تحمل کردند.

از سوی دیگر وقتی ما از وحدت نخبگان سخن می‌گوییم، بخشی از آن طبیعتاً بحث وحدت حوزه و دانشگاه است. این وحدت حق مردم است؛ چراکه اگر این همدلی و همراهی وجود نداشته نباشد، آرمان‌های انقلاب و نظام آسیب خواهد دید و مردم آرامش و آسایش خود را از دست خواهند داد.

تفکر نزدیکی حوزه و دانشگاه باعث شد که شهید مفتح بیشتر وقتش را در دانشگاه بگذراند و حضور افرادی مانند شهید مفتح در دانشگاه‌ها برای فهم منطق روحانیت کافی بود. دکتر مفتح یکی از استوانه‌های دوران مبارزه بود و هیچ‌گاه به پرخاش و تهاجم روی نیاورد و کار عمیق فکری را سرلوحه فعالیت خود قرار داد.

دکتر مفتح بعد از انقلاب اسلامی اولین رییس دانشکده الهیات بود و پیش از طرح انقلاب فرهنگی از سوی امام(ره) تعدادی از اساتید و دانشجویان را در دانشگاه الهیات گردهم آورده و مطالعاتی را آغاز کرده بود تا این‌که شورای عالی انقلاب فرهنگی به فرمان امام(ره) تشکیل شد که منشا برکات در دانشگاه‌ها قرار گرفت.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسن قمی گفته بود: یکی از مهمترین حوادث تاریخ ایران انقلاب اسلامی در سال 57 اتفاق افتاد که اگر وحدت حوزویان و دانشگاهیان در آن مقطع تاریخی شکل نمی‌گرفت، انقلاب ایران یا به ثمر نمی‌رسید یا با تاخیر بیشتر و یا با مشکلات و معایبی به وقوع می‌پیوست. این وحدت به آن معنا نیست که حوزه و دانشگاه به لحاظ ساختاری یکی شوند و یا یکی به نفع دیگری تعطیل شود. همچنین وحدت آرمانی حوزه و دانشگاه به معنای وحدت روش و رویه تحقیق و پژوهش علمی نیست، بلکه این وحدت در معنای عمیق‌تر باید به عنوان یک راهبرد تلقی شود.

وی در گفت‌وگویی با ایسنا یادآور شده بود: قبل از انقلاب شاهد بودیم تلاش‌هایی گسترده در جهت جدایی نیروهای حوزوی و دانشگاهی صورت می‌گرفت. همانطور که حضرت امام (ره) فرمودند، دانشگاه مبدأ همه تحولات است و مدیران جامعه قرار است از همین نهاد تربیت شوند و رشد کنند. در نظام گذشته سعی می‌شد که دانشجویان با فرهنگ بیگانه رشد کنند و نسبت به آموزه‌های دینی بیگانه باشند کما آنکه موفق هم نبودند و دیدیم بسیاری از نیروهای انقلابی ما از دل دانشگاه و از بین اساتید و دانشجویان و دانشگاه‌های قبل از انقلاب بیرون آمدند.

رابطه بین علم و دین همواره از موارد مورد چالش در کشورهای دنیاست و سه نوع رابطه تعارض، تمایز و تعامل را می‌توان برای آن در نظر گرفت، اما در دنیای امروز تعارض بین علم و دین دیگر جایی ندارد و باورهای دینی و ارزشی همواره جای خود را پیدا می‌کنند خصوصاً آن‌که اغلب دانشمندان انسان‌هایی الهی و معتقد به ماوراءالطبیعه بودند.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز طی سخنانی در این زمینه با بیان این‌که «افکاری در راستای جدایی حوزه و دانشگاه مانند افکار جدایی دین از سیاست، در خدمت استعمار گفته بود: از روز اول که دانشگاه در ایران تاسیس شد، شیطانی می‌خواستند دانشگاه را در مقابل حوزه قرار دهند و حالت عناد بین این دو قشر ایجاد کنند. بر خلاف این تلاشها، حوزه همیشه فکر کرده که نباید از دانشگاه جدا شود و دانشگاه نیز دلسوزانه به وحدت فکر کرده است. اینجا جای رقابت نیست. حوزه وظیفه تبیین چهارچوب حاکمیت و زندگی اسلامی را بر عهده دارد و دانشگاه‌ها تبیین مسائل کاربردی زندگی را. این دو مکمل هم هستند و در طول هم عمل می‌کنند.

شهاب‌الدین صدر استاد دانشگاه نیز در مراسمی به مناسبت روز وحدت حوزه و دانشگاه گفته بود: تصریح کرد: از ابتدای انقلاب تلاش‌هایی برای جدایی این دو حوزه از یکدیگر از سوی دشمنان صورت گرفته است؛ چراکه همیشه صاحبان فکر می‌توانند تأثیرگذار باشند، اما یکی از معجزات امام(ره) کاستن فاصله بین حوزه و دانشگاه بود و توانست با رهنمودها و گسیل شاگردان خدمت به این سمت فضا را عوض کند.

آیت‌الله شهید مفتاح

ایجاد وحدت بین حوزه و دانشگاه باعث به حداقل رساندن انحرافات موجود در جامعه می‌شود، اما نباید تنها به دنبال اتحاد فیزیکی این دو نهاد بود. فاصله بین حوزه و دانشگاه، علاوه بر ایجاد دشمنی‌ها به ارایه ناصحیح معارف دینی منجر می‌شود. علاوه بر این‌ها وحدت بین حوزه و دانشگاه در تسریع روند روشنفکری در جامعه موثر است.

همچنین حجت‌الاسلام والمسلمین ثقفی مدرس حوزه و دانشگاه، طی یک سخنرانی «وجود یک نگاه دقیق درباره وحدت حوزه و دانشگاه» را ضروری دانسته و گفته بود: با یک نگاه دقیق در این مورد باید سراغ ارکان قوام‌بخش این دو نظام علمی که متن، استاد، دانشجو، برنامه و مدیریت است برویم و بررسی کنیم که دنبال کدام یک از این ارکان هستند که به نظر من وحدت متن و برنامه و مدیریت مهم‌ترین گزینه‌ها هستند. تنها راه وحدت این دو نهاد «وحدت علم» است که در نگاه عمیق‌تر و دقیق‌تر دین اداره کننده علم است و دین علم، دینی است که متکفل امر معیشت و اخلاق و آخرت مردم است.

دشمنان ما با اطلاع از این‌که وحدت می‌تواند ما را برای انجام کارهای مهم‌تر و از سر راه برداشتن مشکلات سخت‌تر یاری رساند درصدد ایجاد تفرقه و جدایی و اختلاف بین حوزه و دانشگاه هستند.

کمال‌الدین رازینی استاد حوزه و دانشگاه نیز در گفت‌وگویی با ایسنا تاکید کرده است: ما باید هوشیار باشیم و هم حوزه و هم دانشگاه صدای منحوس دشمن را بشناسند. برای این‌که دشمن نتواند این وحدت حاصل از انقلاب را به ناکامی بکشاند باید در زمینه دشمن‌شناسی و شناخت ترفند دشمن کوشا باشیم.

نهضت علمی که در ایران آغاز شده، صبحگاه شفاف و روشنی را برای ملت رنج‌دیده نوید می‌دهد. در مدت طولانی، مسلمانان پرچمدار علم در جهان بودند و ما می‌توانیم این تجربه گذشته و تاریخ تمدن اسلامی را به دست ایران اسلامی احیا کنیم.

آیت‌الله عمید زنجانی گفته است: لزومی ندارد ما وحدت حوزه و دانشگاه را اکنون به معنای آنچه که از این وحدت در دهه 60 مطرح می‌شد، تعبیر کنیم؛ چراکه این وحدت هر زمان با مقتضیات خود ظاهر خواهد شد تا آن‌شاءالله وحدت حوزه و دانشگاه به وحدت علم و دین برسد به گونه‌ای که هر کجا دین است توام با علم و هر کجا علم از توام با دین باشد.

خاستگاه شهید مفتاح حوزه بود اما آشنایی بسیار با دانشگاه داشت. او با اعتقاد راسخ به ضرورت و تأثیرگذاری دانشگاه و جامعه، تلاش زیادی کرد که این دو قشر را در آن دوره به هم نزدیک و از اهداف مشترک این دو مجموعه دفاع کند تا هر دو مجموعه بدانند که با داشتن مشترکات فراوانی برای آینده این کشور و آرمان‌های بلند این ملت موثرند.

وحدت حوزه و دانشگاه در سال‌های بعد از انقلاب همواره و با هر تعریفی رو به رشد بوده است؛ چراکه تقابل‌های منفی و دعوایی که تلاش می‌شد در دوران رژیم گذشته بین حوزه و دانشگاه ایجاد شود در جهت افزایش بدبینی حوزویان نسبت به دانشگاهیان و ایجاد نگاه منفی دانشگاهیان نسبت به حوزه بود. ولی در حال حاضر این موارد در حد بسیار زیادی برطرف و تبدیل به انس و صمیمیت، نگاه‌های مثبت نسبت به همدیگر شده است. تقریباً این بخش وحدت رخ داده و در حال حاضر ارتباط بسیار خوبی بین حوزه و دانشگاه است. در حال حاضر حوزویان و دانشگاهیان جایگاه یکدیگر را شناخته و احترام همدیگر را حفظ می‌کنند و از سویی به ضرورت یکدیگر اعتقاد دارند.

اگر هر دانشجو و استاد و هر طلبه و شخصیتی حوزوی در هر سطح و مرتبه که به اهداف عالیه انقلاب و نظام معتقد است، در مسیر وحدت حوزه و دانشگاه به سهم خود گام بردارد، یقیناً برکات این وحدت به سرعت آثار خود را نشان می‌دهد و هر دو بال دین و دانش در خدمت سرفرازی و آبادانی ایران اسلامی قرار می‌گیرد.

پیش‌شرط چنین همگرایی مقدس و ارزنده‌ای پرهیز حوزه و دانشگاه از هرگونه افراط و تفریط و تلاش مجدانه برای ارائه راهکارهای کارشناسانه در این زمینه می‌باشد.

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد محمدیان در گفت‌وگویی با ایسنا در این زمینه تاکید کرده است: بحث وحدت حوزه و دانشگاه با یک تفکر و سلیقه خاص نمی‌تواند پیش رود؛ چراکه برای شکوفایی در مسایل علمی چاره‌ای جز دیدن انواع تفکرها و نگرش‌های گوناگون نداریم تا بر این اساس زمینه انتخاب احسن پیش آید.

آیت‌الله ابوالقاسم علی‌دوست از اساتید حوزه نیز با تاکید بر این‌که «وحدت حوزه و دانشگاه باید از قالب‌های شکلی در آید» به ایسنا گفته است: اگر بتوانیم معنویت را به دانشگاه ببریم که این به معنای نبود معنویت در دانشگاه نیست؛ بلکه از این جهت خلأی احساس می‌شود و کسی که آن را انکار کند، یک ضرورتی را انکار کرده است. همچنین تحول متکامل در علوم نه تحول‌های شکلی، ورود نیروهای با کیفیت از روحانیت هرچند محدود به دانشگاه‌ها، آوردن دانشجویان به محیط‌های حوزوی

و آشنایی نزدیک با کسانی که حضورشان نوعی تبلیغ است، از جمله راهکارهای تحقق این هدف خواهد بود. زندگی دکتر مفتاح را می‌توان در دو جمله تشخیص بهنگام وظیفه الهی و پایمردی در وصول به این هدف خلاصه کرد. زندگی شهید دکتر مفتاح می‌تواند اسوه زندگی دانشجویان و طلاب قرار گیرد؛ زمانی که در حوزه علمیه به فلسفه و حکمت بها داده نمی‌شد ایشان و نزدیکان‌شان به دور علامه طباطبایی جمع می‌شدند تا آن را در جامعه پایه‌گذاری کنند و به وسیله این دروس راه، داع، نیازها، ها، ساند. آیت‌الله شهید مفتاح

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدهادی مفتاح فرزنده شهید مفتاح در این زمینه با اشاره به این‌که «در دوران ستمشاهی دانشگاهیان چون با جامعه روحانیت ارتباط نداشتند نمی‌توانستند جواب سوالات دینی خودشان را بگیرند» گفت: این مساله باعث شده بود که دانشگاهیان بین دو راهی بی‌دینی و دین انحرافی قرار داشته باشند. دانشگاهیان به این علت خودشان در راه دین قدم می‌گذاشتند و به دنبال جوابشان می‌بودند اما چون تخصص لازم نداشتند به سوی دین انحرافی کشیده شده یا باید به سوی بی‌دینی قدم می‌گذاشتند، در این شرایط بود که دکتر مفتاح احساس خطر کردند، وظیفه را تشخیص دادند و برای رسیدن به این وظیفه پایمردی نمودند.

اما نگرانی حضرت امام (ره) چه بوده است که روزی را با عنوان وحدت حوزه و دانشگاه نامگذاری کرده است؟ اگر روزی را به نام واقعه‌ای می‌گذارند در متن آن پیامی وجود دارد و به این معناست که مبتکر آن نامگذاری نگران مطلبی است.

به گزارش ایسنا؛ صادق مفتاح فرزند دیگر شهید مفتاح است. او در یک سخنرانی در سالروز شهادت پدرش درباره این دغدغه گفته است: اگر زندگی شهید مفتاح را مطالعه کنیم شاهدیم تمام تلاش ایشان در مسیر وحدت حوزه و دانشگاه بوده است و امام (ره) با نامگذاری این روز در واقع به دنبال ایجاد نقطه‌ای در تاریخ بوده است تا به طور منظم در آن اهمیت موضوع وحدت حوزه و دانشگاه تذکر داده شود؛ همان‌طور که روزهایی با عنوان روز قدس، محیط زیست و ... نامگذاری شده‌اند. جدایی حوزه از دانشگاه و روحانی از دانشجو ریشه استعماری در کشور دارد؛ در حالی که این دو مغز متفکر کشور هستند و اگر از هم جدا باشند و بینشان تفرقه وجود داشته باشد، بستر برای هجوم افکار التقاطی از غرب فراهم می‌شود.

عماد افروغ استاد دانشگاه نیز در این زمینه گفته است: با مرور بر دغدغه امام (ره) نسبت به وحدت حوزه و دانشگاه، معلوم می‌شود که عمده دلمشغولی و اهتمام ایشان معطوف به وحدت سیاسی و عاطفی و ارتباط و همبستگی بین روحانی و دانشگاهی و توجه به هشدار نسبت به توطئه‌های بیرونی و درونی در برهم زدن این وحدت است.